

بررسی عصمت امام

از دیدگاه شیخ مفید

(۱)

در این نوشتار - که در چند قسمت تقدیم می‌شود - به بررسی نظریات مرحوم شیخ مفید در مسئله عصمت امام، به عنوان یکی از متکلمان برجسته قرن چهارم و پنجم هجری پرداخته می‌شود، مسائلی از قبیل این که: آیا عصمت، لطف و موهبت الهی است؟ آیا عصمت، منافات با اختیار ندارد؟ آیا امام، هم پیش از امامت و هم بعد از امامت، از گناهان کبیره و صغیره، و نیز سهر و نسیان معصوم است؟ آیا امام ممکن است در مورد امور عادی معصوم نباشد؟ و بالاخره در همه موارد یاد شده، دلیل عقلی مطرح است یا دلیل نقلی و یا هر دو؟

مقدمه

تبیین فروع این آموزه نموده است .
در میان مسائل مربوط به امامت ، مسئله عصمت یکی از مهم ترین مسائل به شمار می آید که همیشه ذهن متکلمان را به خود مشغول کرده است . از دیرباز پرسش ها و شبهات فراوانی راجع به این

شیعه امامیه با اعتقاد به آسمانی بودن آموزه فخیم و متعالی امامت و انحصار آن در ائمه اثنی عشری با عناوین و اسامی معین ، به عنوان یکی از ممیّزات خود از دیگر فرق اسلامی ، تلاش فراوانی برای

آموزه وجود داشته است. به نمونه‌ای از این پرسش‌ها توجه فرمایید:

نظریه حقیقی شیعه امامیه راجع به عصمت امام چیست؟ اگر شیعه، عصمت را شرط امامت می‌داند، آیا آن را اکتسابی تلقی می‌کند یا اعطایی از جانب خداوند؟ آیا عصمت امام از زمان کودکی است یا از سن تمیز یا از سن بلوغ و یا از زمان تصدی منصب امامت؟ آیا امام سهو و نسیان دارد یا نه؟ آیا امام در امور عادی (غیر از تبیین دین) نیز معصوم است؟ آیا وی در نظریات غیر دینی اعم از علمی یا سیاسی و عزل و نصب‌های سیاسی نیز معصوم است؟ و...

علم کلام شیعه در طول تاریخ پر افتخار خود، با این پرسش‌ها مواجه بوده است و پاسخ‌گویی به آنها را وظیفه خود دانسته است.

مطالعه تاریخ کهن شیعه ضمن آن که درس‌های فراوانی به خواننده می‌دهد و وی را بر پاسخ‌گویی به برخی شبهات موجود در زمان خود توانا می‌سازد، سیر تطور اندیشه‌های گوناگون کلامی را نیز به خواننده نشان می‌دهد.

پاسخ‌گویی به تمام سؤالات راجع به این مسئله ضمن این که مطالعه تمام آیات و روایات را می‌طلبد، همچنین مراجعه به کلمات گذشتگان را نیز در دستور کار قرار می‌دهد، زیرا هر متکلمی بنابر مسائل و شبهات مطرح در زمان خود گوشه‌ای از بحث عصمت را پر رنگ نموده و می‌تواند در رسیدن حق جویان به نظریه حق، کمک شایانی کند.

این نوشتار به دنبال آن است تا با مراجعه به منابع کلامی، روایی، تاریخی، فقهی و اصولی، نظریه شیخ مفید به عنوان یکی از متکلمان برجسته امامیه در باب عصمت امام، را به دست آورد.

عظمت علمی شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی متولد سال ۳۳۶ هجری قمری به شیخ مفید از متکلمان پر آوازه شیعه در قرن چهارم و پنجم بلکه در تمام دوران حیات فکری شیعه، به شمار می‌آید، به گونه‌ای که ابن ندیم - که خود، مرحوم شیخ را دیده است - وی را جلودار در علم کلام و رئیس

متکلمان در عصر خود دانسته است^(۱) و نجاشی - که یکی از شاگردان شیخ مفید به شمار می‌رود - کمال شیخ مفید در علوم کلام، فقه و حدیث را بالاتر از آن دانسته است که قابل توصیف باشد.^(۲) خطیب بغدادی در نوشتاری کوتاه که نشان از کینه او نسبت به شیعه دارد، مرحوم شیخ مفید را کسی دانسته است که جمع بسیاری از مردم به وسیله او از گمراهی هلاک شدند.^(۳) و این حکایت از عظمت شیخ مفید و وسعت فعالیت‌های علمی و میزان تأثیرگذاری او می‌کند. تألیفات کلامی او نشان از نبوغ فکری و عقلی او دارد. وی از مکتب کلامی بغداد بوده و در مقابل مکتب کلامی و حدیثی قم، بر روش و سبک عقلی در

حوزه مباحث کلامی تأکید بیشتری داشت. مرحوم شیخ مفید در حوزه کلام اسلامی و به ویژه در مباحث مربوط به عصمت امام با ارائه مباحث جدید و براهین فراوان عقلی و نقلی نقش تأثیرگذاری در تعالی و تطور نظریه عصمت امام داشته است.

مرحوم شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری قمری پس از تربیت شاگردان برجسته‌ای همچون مرحوم سید مرتضی، شیخ طوسی، کراجکی و... از دنیا رفت.^(۴)

گفتنی است از آنجا که مرحوم شیخ مفید بر این باور است که ائمه در عصمت و کمال همانند انبیاء هستند^(۵)، می‌توان نظریه ایشان در باب عصمت انبیاء را در

۱. ابن ندیم، محمد، الفهرست، ص ۲۲۶.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی (فهرست مصنفی الشیعة)، ص ۳۹۹.

۳. کلام خطیب بغدادی در این باره خواندنی است: «محمد بن محمد بن النعمان أبو عبد الله المعروف بابن المعلم شیخ الرافضة والمعلم علی مذاهبهم صنف کتباً کثیرة فی ضلالاتهم والذب عن اعتقاداتهم ومقالاتهم والطعن علی السلف الماضین من الصحابة والتابعین وعامة الفقهاء المجتهدين وكان أحد الأئمة الضلال هلك به خلق من الناس إلى أن أراح الله المسلمین منه» خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۴۹.

۴. برای تفصیل بیشتر ر. ک: ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۴۷، صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة، ص ۳۸۱، گروهی از نویسندگان، معجم طبقات المتکلمین، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۵ و....

۵. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵، همو، المقنعة، ص ۳۲.

مسئله عصمت امام نیز جاری دانست .

قبل از هر چیز توجه به تعریف امام از دیدگاه مرحوم شیخ مفید لازم است ، چرا که می تواند ما را در قضاوت درباره درستی یا نادرستی نظریات گوناگون وی در باب عصمت و هم خوانی این نظریات با این تعریف ، کمک کند .

تعریف امام

مرحوم شیخ مفید امام را کسی می داند که به نیابت از پیامبر ﷺ ریاست عام بر امور دین و دنیای مردم دارد :

«الإمام هو الإنسان الذي له رئاسة عامة في أمور الدين والدنيا نيابة عن النبي عليه السلام» .^(۶)

بر اساس این تعریف ، امام کسی است که :

اولاً ریاست بر امور دین و دنیای مردم دارد ؛
ثانیاً جانشین پیامبر است .^(۷)

تلازم امامت با عصمت

مرحوم مفید مانند دیگر متکلمان شیعه ، عصمت را شرط لازم برای امام می داند ؛ بدین معنا که عصمت از امامت غیر قابل انفکاک است :

«والإمامة تدلّ على عصمة صاحبها ...» .^(۸)

بر اساس این عبارت و نیز براهینی که عقلاً امام را معصوم معرفی می کنند ، مرحوم شیخ معتقد است که منصب امامت خود ، دلالت بر عصمت امام دارد .

۶ . همو ، النکت الاعتقادية ، ص ۳۹ ، گفتنی است در انتساب این کتاب به مرحوم شیخ اختلاف نظر وجود دارد .

۷ . تعریف مرحوم شیخ از امام ، را بسیاری از متکلمین شیعه و برخی از متکلمان اهل سنت با تفاوت های اندکی ارائه نموده اند . ر . ک . ایچی ، شرح المواقف ، ج ۸ ، ص ۳۴۵ ، طوسی ، خواجه نصیرالدین ، قواعد العقائد ، ص ۱۰۹ ، همو ، رساله امامت ، ص ۱۵ ، علامه حلی ، حسن بن یوسف ، مناهج اليقين ، ص ۲۸۹ ، سیوری ، فاضل مقداد ، النافع يوم الحشر ، ص ۹۳ و اللوامع الالهية ، ص ۳۱۵ ، بحرانی ، میثم بن علی ، قواعد المرام ، ص ۱۷۴ .

۸ . شیخ مفید ، الجمل ، ص ۷۷ .

تعریف لغوی عصمت

مرحوم شیخ مفید در آثار ارزشمند خود، علاوه بر تعریف اصطلاحی عصمت، به تعریف لغوی عصمت نیز پرداخته است.

با نگاهی به آنچه تاکنون از آثار متکلمان راجع به مسئله عصمت ارائه گردیده، روشن می‌شود که مرحوم شیخ مفید نخستین کسی است که افزون بر تبیین تعریف اصطلاحی عصمت، به تعریف لغوی عصمت نیز پرداخته است.

ایشان در تعریف معنای لغوی عصمت بر این باور است که عصمت در اصل لغت چیزی است که انسان به وسیله آن از وقوع در آنچه دوست ندارد، مصون و محفوظ می‌ماند.^(۹)

تعاریف اصطلاحی عصمت

مرحوم شیخ مفید در آثار خود دست

کم چهار بار به تعریف اصطلاحی عصمت پرداخته است:

۱. عصمت، تفضلی الهی

مرحوم شیخ در این تعریف می‌گوید: «عصمت تفضلی است از جانب خداوند به کسی که خدا می‌داند او به این عصمت، متمسک می‌شود».^(۱۰)

مرحوم شیخ مفید در این تعریف تنها به بیان این نکته اکتفا می‌کند که عصمت تفضل و لطف از جانب خداوند متعال است و خداوند این لطف را به کسی عطا می‌کند که بداند با استفاده از آن از گناه اجتناب می‌کند.

به بیان دیگر مرحوم مفید در این تعریف، تنها به جنبه الهی و تفضل بودن آن اشاره نموده و مورد این لطف را هم به طور مبهم کسی معرفی می‌کند که خدا می‌داند وی از این لطف استفاده کرده و به

۹. «انَّ العِصْمَةَ فِي أَصْلِ اللُّغَةِ هِيَ مَا اعْتَصِمَ بِهِ الْإِنْسَانُ مِنَ الشَّيْءِ كَأَنَّهُ امْتَنَعَ بِهِ عَنِ الْوُقُوعِ فِيهَا يَكْرَهُ وَلَيْسَ هُوَ جِنْسًا مِنْ أَجْنَاسِ الْفِعْلِ وَمِنْهُ قَوْلُهُمْ: (اعْتَصِمَ فُلَانٌ بِالْجَبَلِ) إِذَا امْتَنَعَ بِهِ، وَمِنْهُ سَمِيَتْ (العِصْمَةُ) وَهِيَ وَعُولُ الْجِبَالِ لَامْتَنَاعِهَا بِهَا» همو، أوائل المقالات، ص ۱۳۴.

۱۰. «والعِصْمَةُ تَفْضُلٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ يَتَمَسَّكُ بِعِصْمَتِهِ وَالْإِعْتِصَامُ فِعْلُ الْمُعْتَصِمِ...» همو، تصحيح اعتقادات الإمامية، ص ۱۲۸.

آن تمسک نموده و از گناه کردن خودداری می‌کند.

خود اعطاء نموده است و به وسیله آن از گناه و اشتباه در دین مصون می‌مانند». (۱۲)

۲. عصمت، لطف الهی

مرحوم شیخ مفید در تعریف دیگری از عصمت می‌گوید:

«عصمت لطف خداوند به مکلف

است که با وجود قدرت مکلف بر انجام گناه، صدور گناه از او ممتنع می‌باشد». (۱۱)

مرحوم مفید در این تعریف، این لطف را از جانب خداوند و متوجه مکلف دانسته است و از بیان مصداق مکلف یاد شده خودداری کرده است.

مرحوم مفید در این تعریف، با روشن نمودن مصادیق بهره‌مندان از این لطف - که همان حجج الله هستند - گستره آن را از گناه، به اشتباه در دین نیز توسعه می‌دهد.

۴. عصمت، توفیق الهی

مرحوم شیخ در آخرین تعریف خود ضمن تأکید بر این که عصمت همان توفیق است برای تبیین تعریف خود مقوله عصمت را این گونه تشبیه و تبیین می‌کند که غریقی را در نظر می‌گیریم که در حال غرق شدن است و ما طنابی به او می‌دهیم، اگر او با گرفتن این طناب خود را نجات داد، آن طناب را عصمت می‌نامیم.

حال اگر انسان از لطف خداوند استفاده کرد و اطاعت او را به جا آورد، این امر، توفیق و عصمت نامیده می‌شود. از

۳. عصمت، توفیق و لطف الهی

شیخ مفید^{۱۱} در تعریف سوم از عصمت می‌گوید:

«عصمت توفیق و لطف از جانب خداوند است که خداوند آن را به حجج

۱۱. «العصمة لطف يفعل الله تعالى بالمكلف بحيث يمتنع منه وقوع المعصية وترك الطاعة مع قدرته عليها» همو، النکت الاعتقادیة، ص ۳۷.

۱۲. «العصمة من الله تعالى لحججه هي التوفيق واللطف والاعتصام من الحجج بها عن الذنوب والغلط في دين الله تعالى» همو، تصحیح اعتقادات الامامية، ص ۱۲۸.

این رو تمام ملائکه و انبیاء و ائمه معصوم هستند، چرا که از لطف خدا بهره برده و اطاعت او را به جا آورده‌اند، وی در این باره می‌نویسد:

«... والعصمة من الله تعالى هي التوفيق الذي يسلم به الإنسان ممّا يكره إذا أتى بالطاعة... إنّ الإنسان إذا أطاع سمى «توفيقاً» و «عصمة» وإن لم يطع لم يسم «توفيقاً» ولا «عصمة». (۱۳)

تفضل خداوند است؛

۲. خداوند این لطف را به حجج خود یعنی انبیاء، ائمه و ملائکه عطا نموده است؛

۳. حجج خداوند با برخورداری از این لطف با وجود داشتن قدرت بر گناه، از ارتکاب گناه معصوم بوده و نیز از اشتباه در دین مصون هستند.

ویژگی‌های عصمت

مرحوم شیخ در آثار خود دو ویژگی را برای عصمت بیان می‌کند:

۱. اختیاری بودن

مرحوم شیخ مفید در این باره که آیا با وجود داشتن عصمت، معصوم باز هم می‌تواند گناه انجام دهد یا این که چنین عصمتی مانع از قدرت او بر انجام گناه می‌شود و در نتیجه او جبراً و قهراً گناه نمی‌کند، معتقد است که عصمت منافاتی با قدرت بر انجام گناه ندارد. ایشان در تبیین این مسئله به این نکته بسنده می‌کند

مرحوم شیخ در این تعریف با به کار بردن واژه عصمت و توفیق در مورد اجتناب از گناهان و نیز انجام واجبات، راه خود را از برخی اهل سنت که توفیق را مساوی طاعت خدا در انجام اوامر او و عصمت را مساوی امتناع از گناهان دانسته و تنها در این مورد به کار می‌برند، جدا می‌کند. (۱۴)

جمع بندی

در پایان این بخش نکات مربوط به تعریف عصمت را می‌توان این چنین جمع‌بندی نمود:

۱. عصمت همان توفیق، لطف و

۱۳. همو، اوائل المقالات، ص ۱۳۴ و ۱۳۵، ونیز همو، المسائل العکبرية، ص ۱۰۸.

۱۴. قاضی عبد الجبار، المغنی، ج ۱۳، ص ۱۵.

که از آنجا که در واقع عصمت ، لطف و تفضل خداوند است معصوم اختیار دارد که از این موهبت الاهی استفاده کند یا نکند و همین امر اختیار معصوم را در هنگام اجتناب از معاصی مبین می کند ، پس عصمت چیزی نیست که معصوم را به انجام امور حسن مجبور کند بلکه معصوم با در اختیار داشتن آن ، باز هم حق انتخاب دارد .

ضمن این که می بینیم خداوند آن را تنها به برخی از بندگان داده است به این دلیل است که خداوند چون می دانسته که برخی از بندگان با وجود برخورداری از لطف او ، از ارتکاب گناه اجتناب می کنند ، این لطف را تنها به آنها عطا کرده است و این گونه نیست که تمام بندگان با برخورداری از این لطف از انجام معصیت

خودداری کنند ، بلکه این امر مخصوص به همان عده اندک از بندگان است . (۱۵)
بنابراین تبیین ، خداوند از راه علم پیشین خود می دانسته که تنها برخی افراد هستند که با وجود بهره مندی از چنین لطفی ، گناه نمی کنند و سایر انسان ها علی رغم داشتن این تفضل باز هم مرتکب نافرمانی می شوند ، از این رو لطف خود را به همان انسان های دسته اول داده است .

شیخ مفید^{رحمه الله} ، از نشانه های داشتن قدرت بر معصیت را تهدیدها و وعیدهای خداوند به انبیاء معصوم می داند ، بدین معنا که اگر انبیاء معصوم ، قدرت بر انجام گناه را نداشتند ، تهدید نمودن و ترساندن آنها از عاقبت امور ، امری لغو می نمود . (۱۶)

۱۵ . «والاعتصام فعل المعتصم وليست العصمة مانعة من القدرة على القبح ولا مضطرة للمعصوم إلى الحسن ولا ملجئة له إليه بل هي الشيء الذي يعلم الله تعالى أنه إذا فعل بعد من عيبه لم يؤثر معه معصيته له وليس كل الخلق يعلم هذا من حاله بل المعلوم منهم ذلك هم الصفوة والاختيار» هو ، تصحيح اعتقادات الامامية ، ص ۱۲۸ .

۱۶ . «المسألة السادسة والأربعون : وسأل فقال : إذا كان الرسول ﷺ معصوماً فما وجه التهديد له والوعيد في القرآن ؟ والجواب : أنّ العصمة لا تنافي القدرة على المعصية والخواطر طرفيها ودعاء الشهوة إلى فعلها فلذلك احتاجت الأنبياء معها إلى الوعيد والتهديد ولأنّ العصمة أنّما هي بالأمر والنهي والوعد والوعيد ولولا

۲. موهبتی بودن عصمت

راجع به این که آیا عصمت امری اکتسابی است یا الهی؟ از تعاریف ایشان بر عصمت، روشن شد که عصمت همانا لطف، تفضل و موهبتی الهی است.

آشنایی با ادبیات به کار گرفته شده از سوی مرحوم شیخ، نکته بسیار مهمی در فهم اندیشه‌های ایشان و نیز وجه جمع مناسبی برای برخی عبارات متعارض نمای وی است. (۱۷)

قلمرو عصمت

مهم‌ترین بحث از مباحث عصمت، بحث از قلمرو عصمت است. مرحوم شیخ مفید در آثار متعدد خود شاخه‌ها و زوایای مختلفی از بحث قلمرو عصمت را به بحث گذاشته است.

۱. عصمت از سهو و نسیان قبل از

تصدی مقام امامت

به عقیده مرحوم مفید، پیامبر و به تبع او، امام از سهو و نسیان قبل از تصدی منصب امامت معصوم است:

«هذا النبي الذي اثبتوه معصوم أم لا؟
فالجواب: معصوم من أول عمره إلى آخره
عن السهو والنسيان». (۱۸)

قبل از بیان نظریات ایشان در این زمینه، تذکر این نکته مهم است که برخی از این نظریات بر اساس حکم عقل است در حالی که برخی دیگر از آنها از ادله نقلی به دست آمده است و توجه به این نکته و

→

ذلك لم يتكامل في معناها وإذا كانت بمجموع أشياء من جملتها الوعد والوعيد والترهيب والترغيب بطل قول القائل: ما وجه ذلك مع العصمة؟ وسقطت الشبهة فيما تخيله مع الغناء عن ذلك على ما شرحناه»
همو، المسائل العكبرية، ص ۱۱۵.

۱۷. تشخیص این که کدام يك از این نظریات برآمده از حکم عقل است و کدام يك برآمده از آیات و روایات است به این ترتیب است که اگر در عبارتی، از واژگان همچون وجوب، امکان جواز و عدم جواز و مشتقات آنها، استفاده شده است، نشانه این است که مؤلف به مقتضای حکم عقل نظریه پردازی می‌کند و اگر از واژگانی دیگر استفاده می‌کند نشانه این است که لزوماً بر اساس حکم عقل سخن نمی‌گوید و باید فراین حالیه و مقامیه را برای فهم عبارت در نظر گرفت.

۱۸. همو، النکت الاعتقادية، ص ۳۷.

۲. عصمت از گناهان کبیره و

صغیره قبل از تصدی مقام امامت

نظریه ایشان درباره این که آیا امام قبل از تصدی منصب امامت از گناهان معصوم است یا نه، این گونه می توان تقریر نمود:

اولاً بر اساس روایت وارد شده، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام قبل و بعد از تصدی منصب امامت، معصوم هستند؛ ثانیاً اگر چه چنین روایتی را در اختیار داریم؛ ولی باید مدعی شویم که علم و عصمت امام پس از تصدی منصب امامت امری ضروری است ولی نسبت به پیش از آن، باید توقف نمود. (۱۹)

اگر چه این دو نظریه، ممکن است در ابتدای امر متعارض بنمایند، همان

اگر چه عبارت مرحوم مفید ناظر به نبوت پیامبر اکرم ﷺ است؛ ولی با توجه به این که ایشان پیامبر و امام را در زمینه عصمت، هم سان می داند، می توان این نظر را درباره امام نیز به مرحوم مفید نسبت داد.

همچنین گفتنی است که مرحوم شیخ تنها يك بار این ادعا را به طور مبهم مطرح نموده است و جای این سؤال باقی است که آیا منظور وی سهو و نسیان در دین است یا مطلق نسیان؟

پاسخ به این سؤال در گرو تبیین دیگر نظریات مرحوم شیخ است، از این رو باید دیگر مباحث را مطرح نموده و آنگاه به مقصود ایشان در اینجا برسیم.

۱۹. همو، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۰. عبارت ایشان به طور کامل چنین است: «فأما الوصف لهم بالكمال في كل أحوالهم، فإن المقطوع به كمالهم في جميع أحوالهم التي فيها حججاً لله تعالى على خلقه. وقد جاء الخبر بأن رسول الله ﷺ والأئمة عليهم السلام من ذريته كانوا حججاً لله تعالى منذ أكمل عقولهم إلى أن قبضهم، ولم يكن لهم قبل أحوال التكليف أحوال نقص وجهل، فإنهم يجرون مجرى عيسى ويحيى ﷺ في حصول الكمال لهم مع صغر السن وقبل بلوغ الحلم. وهذا أمر تجوزه العقول ولا تنكره، وليس إلى تكذيب الأخبار سبيل، والوجه أن نقطع على كمالهم ﷺ في العلم والعصمة في أحوال النبوة والإمامة، ونتوقف فيما قبل ذلك، وهل كانت أحوال نبوة وإمامة أم لا ونقطع على أن العصمة لازمة لهم منذ أكمل الله تعالى عقولهم إلى أن قبضهم ﷺ».

گونه که بر همین اساس عده‌ای از محققین با توجه به نظریه دوم، مرحوم مفید را کسی دانسته‌اند که نسبت به عصمت امام قبل از تصدی منصب امامت اعتقاد راسخی ندارد؛^(۲۰) ولی به نظر می‌رسد که از میان برداشتن تعارض ظاهری این دو نظریه چندان مشکل نباشد، چرا که با توجه به نظریه دوم می‌توان مرحوم مفید را بر این باور دانست که بر اساس حکم عقل، امام علیه السلام ضرورتاً از ارتکاب گناهان پس از تصدی منصب امامت معصوم است و اما عقل نسبت به عصمت امام پیش از آن، حکمی ندارد؛ ولی فارغ از حکم عقل و بر اساس روایات وارده باید گفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان ما به طور کلی از تمام معاصی قبل و بعد از منصب امامت معصوم هستند. بنابراین می‌توان مرحوم شیخ را بر این باور دانست که ائمه اطهار علیهم السلام را از پیش از تصدی منصب امامت معصوم می‌داند. البته روشن است که برخورداری از

چنین عصمتی برای ائمه اطهار علیهم السلام، بنا بر اقتضای منصب امامت نیست؛ به بیان دیگر همان گونه که مرحوم شیخ گفته است، از نظر عقل، لازم نیست که متصدی منصب امامت، پیش از تصدی منصب امامت، از گناهان اعم از کبیره و صغیره، معصوم باشد. توجه به این وجه جمع - یعنی تفکیک میان حکم برآمده از حکم عقل و حکم برآمده از ادله نقلی - برای جمع میان کلمات ایشان راجع به عصمت امام از گناهان صغیره قبل از تصدی منصب امامت نیز لازم می‌باشد.

ایشان در حالی که در برخی عبارات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و به تبع آن، امام - را از مطلق گناهان - اعم از کبیره و صغیره و اعم از این که به طور سهوی یا عمدی واقع شود - قبل از تصدی منصب نبوت، معصوم می‌داند؛^(۲۱) اما عباراتی نیز از ایشان وجود دارد که بر اساس آن، از تکاب برخی از گناهان صغیره را قبل از تصدی منصب

۲۰. فرمانیان، مهدی، مقاله عصمت امام، ص ۱۹.

۲۱. «والأنبياء والأئمة عليهم السلام من بعدهم معصومون في حال نبوتهم وإمامتهم من الكبائر كلها والصغائر» تصحيح اعتقادات الامامية، ص ۱۲۹ و نیز عبارت «[النبي صلی الله علیه و آله] معصوم من أول عمره إلى آخره عن ... الذنوب الكبائر والصغائر عمداً وسهواً» همو، التكت الاعقادية، ص ۳۹.

امامت برای امام جایز می‌داند:

«الأئمة القائمين مقام الأنبياء... معصومون كعصمة الأنبياء وأنهم لا يجوز منهم صغيرة إلا ما قدمت ذكر جوازها على الأنبياء...» (۲۲)

مقصود مرحوم مفید از گناهان صغیره‌ای که صدور آن از پیامبران ممکن است، گناهانی است که اولاً فاعل آن مورد استخفاف قرار نمی‌گیرد و ثانیاً ارتکاب آن از روی عمد نباشد.

به بیان دیگر مرحوم مفید ابتدا گناهان صغیره را به دو نوع تقسیم می‌کند:

گناهان صغیره‌ای که فاعل آن مورد استخفاف قرار می‌گیرد؛

گناهان صغیره‌ای که فاعل آن مورد استخفاف قرار نمی‌گیرد.

حال همین دو نوع از گناهان می‌تواند به طور عمدی یا سهوی انجام شود.

بنابراین گناه صغیره‌ای که واقع می‌شود به چهار صورت می‌تواند باشد.

مرحوم شیخ، امام را از سه قسم از

این چهار قسم معصوم می‌داند و تنها در قسمتی که گذشت، امام را معصوم نمی‌داند. وی در این باره می‌گوید:

«أن جميع أنبياء الله صلوات الله عليهم معصومون من الكبائر قبل النبوة وبعدها وما يستخف فاعله من الصغائر كلها وأما ما كان من صغير لا يستخف فاعله فجائز وقوعه منهم قبل النبوة وعلى غير عمد وممتنع منهم بعدها على كل حال وهذا مذهب جمهور الإمامية» (۲۳)

بر اساس این عبارت، مرحوم مفید عقیده خود و جمهور امامیه را بر این می‌داند که گناهان صغیره‌ای که فاعل آن

مورد استخفاف قرار نمی‌گیرد، اگر از روی عمد انجام نشود، صدور آنها از انبیاء و به

تبع آن از امامان، قبل از نبوت و امامت، عقلاً ممکن و جایز است.

اکنون دو نظریه از مرحوم مفید در اختیار داریم:

الف. امام از تمام گناهان صغیره قبل از تصدی منصب امامت معصوم

از تصدی منصب امامت معصوم

۲۲. همو، اوافل المقالات، ص ۶۵.

۲۳. همان، ص ۶۲.

است؛ (۲۴)

عقل، امام پیش از تصدی منصب امامت،

ضرورتاً از گناه کبیره معصوم است؛

ثانیاً به مقتضای حکم عقل، امام

پیش از تصدی منصب امامت ضرورتاً از

ارتکاب عمدی گناهان صغیره‌ای که فاعل

آن مورد استخفاف قرار می‌گیرد، معصوم

است؛

ثالثاً به مقتضای حکم عقل، امام

پیش از تصدی منصب امامت ضرورتاً از

ارتکاب سهوی گناهان صغیره‌ای که فاعل

آن مورد استخفاف قرار می‌گیرد معصوم

نیست؛

رابعاً به مقتضای ادله نقلی امام پیش

از تصدی منصب امامت از تمام گناهان

کبیره و صغیره معصوم است.

۳. عصمت از گناهان کبیره و صغیره

بعد از تصدی مقام امامت

مرحوم شیخ در این مسئله، هم

راستا با بسیاری از متکلمان امامیه، امام را

از گناهان کبیره و صغیره پس از تصدی

منصب امامت معصوم می‌داند. وی در این

ب. امام ضرورتاً از گناه صغیره غیر

عمدی که فاعل آن مورد استخفاف قرار

نمی‌گیرد، معصوم نیست.

اما جمع میان این دو اندیشه نیز

چندان مشکل نیست؛ و به سه صورت

می‌توان میان این دو نظریه جمع نمود:

۱. مرحوم شیخ، در نظریه نخست،

در مقام پرداختن به جزئیات بحث نبوده

است و تنها به تقریر اصل بحث از

عصمت پرداخته است؛

۲. مرحوم شیخ، در نظریه نخست،

بر اساس ادله نقلی نظریه پردازی نموده

است؛

۳. گناه صغیره غیر عمدی که مرحوم

شیخ در نظریه دوم، امام را لزوماً از آن،

معصوم ندانسته حقیقتاً گناه نیست و اطلاق

واژه گناه بر آن به طور مجاز است.

از این رو اندیشه دوم را می‌توان اندیشه

نهایی مرحوم مفید دانست و ایشان را بر این

باور دانست که: اولاً به مقتضای حکم

۲۴. [النبي ﷺ] معصوم من أول عمره إلى آخره عن ... الذنوب الكبائر والصغائر عمداً وسهواً هم، التکتاب

باره می گوید:

«الأنبياء والأئمة عليهم السلام من بعدهم معصومون في حال نبوتهم وإمامتهم من الكبائر كلها والصغائر...» (۲۵)

اسلام عليه السلام و همچنین امامان دوازده گانه مذهب امامیه، بر این باور است که آنها از ترك مستحبات به طور مطلق معصوم هستند:

۴. عصمت از ترك مستحبات

مرحوم شیخ مفید از نخستین کسانی است که مسئله عصمت امام از ترك مستحبات را نیز مورد بحث قرار می دهد.

به اعتقاد ایشان انبیاء از ترك غیر عمدی مستحبات معصوم نیستند:

«أنه لا يقع من الأنبياء عليهم السلام ذنب... وإن جاز منهم ترك نفل ومندوب إليه على غير القصد والتعمد» (۲۶)

لازمه کلام ایشان این است که از نظر حکم عقل، انبیاء، ضرورتاً از ترك عمدی مستحبات معصوم هستند.

با وجود این، وی راجع به پیامبر

«فأما نبينا عليه السلام خاصة والأئمة من ذريته عليهم السلام فلم يقع منهم صغيرة بعد النبوة والإمامة من ترك واجب ولا مندوب إليه لفضلهم على من تقلد منهم من الحجج عليهم السلام» (۲۷)

اگر چه در این عبارت، عصمت از ترك مستحبات را مخصوص به زمان بعد از تصدی منصب نبوت و امامت می داند؛ ولی در دیگر آثار خود، چنین عصمتی را به زمان قبل از تصدی منصب نبوت و امامت نیز توسعه می دهد:

«أن نبينا عليه السلام والأئمة عليهم السلام من بعده كانوا سالمين من ترك المندوب، والمفترض قبل حال إمامتهم وبعدها» (۲۸)

۲۵. همو، تصحيح اعتقادات الإمامية، ص ۱۲۹ و نیز به این عبارت توجه کنید: «آن الذي إليه في هذا الباب [عصمة الأنبياء والأئمة عليهم السلام] أنه لا يقع من الأنبياء عليهم السلام ذنب بترك واجب مفترض ولا يجوز عليهم خطأ في ذلك ولا سهو يقعهم فيه» همو، الفصول المختارة، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲۶. همو، الفصول المختارة، همان.

۲۷. همان.

۲۸. همو، تصحيح اعتقادات الامامية، ص ۱۲۹.

همچنین با توجه به اطلاق این عبارت می‌توان مدعی شد که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام حتی از ترك سهوی مستحبات نیز معصوم هستند.

البته با توجه به نظریات مرحوم شیخ مفید راجع به عصمت امام پیش از تصدی منصب امامت مبنی بر عدم لزوم عصمت از برخی گناهان صغیره، باید گفت که نظریه مرحوم شیخ مبنی بر عصمت ائمه اطهار علیهم‌السلام از ترك مستحبات - اعم از سهوی و عمدی - قبل و بعد از امامت، بنابر حکم عقل و به مقتضای منصب امامت نیست؛ بلکه نظریه‌ای است که آن را با توجه به ادله نقلی به دست آورده است.

۵. عصمت از اشتباه و نسیان در

تبیین دین

مرحوم شیخ مفید، امام را همانند پیامبران از اشتباه و فراموشی در تبلیغ دین معصوم می‌داند:

«أنه لا يجوز منهم سهو في شيء في

الدين ولا ينسون شيئاً من الأحكام وعلى هذا مذهب سائر الإمامية إلا من شذ منهم» (۲۹).
البته راجع به این که آیا امام قبل از تصدی منصب امامت نیز از اشتباه در تبیین دین معصوم است یا نه، مرحوم شیخ نظریه خاصی مطرح نکرده است؛ اما همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد وی در کتاب النکت الاعتقادیه، پیامبر ﷺ و امام را به طور مطلق از هرگونه اشتباهی قبل از نبوت و امامت معصوم می‌دانست که قدر متیقن از این نظریه، عصمت از اشتباه در تبیین دین قبل از تصدی منصب امامت است؛ بدین معنا که اگر روایتی از امام قبل از تصدی منصب امامت به ما رسید، لزوماً باید مؤدای آن را مطابق با واقع دانسته و حجت تلقی کنیم.

۶. عصمت از سهو و نسیان در عمل

به دین

اختلاف نظر معروف میان مرحوم شیخ صدوق و مرحوم شیخ مفید در مسئله

۲۹. همو، اوائل المقالات، ص ۶۵ و نیز راجع به انبیاء به این عبارت توجه کنید: «... أنهم [الأنبياء] كانوا معصومين من الخطأ موقنين للصواب صادقين عن الله تعالى في جميع ما أدّوه إلى العباد وفي كل شيء» أخبروا به على جميع الأحوال» همو، المقنعة، ص ۳۱ و ۳۲.

مرحوم شیخ در این باره بر این باور است که صدور چنین اشتباهی از پیامبر و امام منتفی است. وی در این باره می‌گوید:

«... لا يقع من الأنبياء ﷺ ذنب بترك واجب مفترض ولا يجوز عليهم خطأ في ذلك ولا سهو يوقعهم فيه...» (۳۳)

ب. اشتباه در انجام تکالیف شرعی
این قسم شامل اشتباهاتی می‌شود که منجر به وقوع يك عمل قبیح نشود، مانند اشتباه در نماز.

این مسئله را با توجه به کلمات مرحوم شیخ مفید، می‌توان در دو موضوع دنبال نمود:

عصمت از اشتباه در نماز

شیخ مفید در این باره با ردّ مستمسك

سهوالنبی ﷺ مربوط به قلمرو عصمت است. مرحوم شیخ صدوق عصمت انبیاء را منحصر در تبلیغ دین نموده و پیامبر اکرم ﷺ را از سهو و نسیان در غیر امور مربوط به تبلیغ دین معصوم نمی‌داند، بلکه سهوالنبی ﷺ را امری ممکن و واقع دانسته و همانند استاد خویش، ابن ولید، انکار آن را از عقاید غالیان می‌داند. (۳۰) شیخ مفید در پاسخ به ادعای استاد، رساله مستقلی با عنوان رساله فی عدم سهو النبی ﷺ به رشته تحریر درآورده است. (۳۱) به نظر می‌رسد اشتباه در مرحله عمل به دین می‌تواند به دو گونه باشد:

الف: گناه سهوی

این قسم شامل اشتباهاتی می‌شود که منجر به وقوع يك گناه در خارج گردد، اگر چه حقیقتاً فاعل آن گناهکار نباشد. (۳۲)

۳۰. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۶۰.

۳۱. البته باید توجه داشت که این رساله جواب برخی از اهالی حائر است و مرحوم مفید در آنجا هیچ اشاره‌ای به نام استاد خود نمی‌کند؛ ولی محتوای آن کاملاً روشن است که ناظر به سخنان مرحوم شیخ صدوق است.

۳۲. لازم به ذکر است که اصطلاح «گناه سهوی» در آثار متکلمان امامیه فراوان به کار رفته است ولی نگارنده تاکنون تعریفی از این اصطلاح نیافته است و ظاهراً مراد باید همان تعریفی باشد که در متن آمده است.

۳۳. همو، الفصول المختارة، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ و نیز ر.ک. همو، المسائل العشر فی الغیبة، ص ۶۱.

- شیخ صدوق رحمه الله - یعنی روایت ذوالشمالین -
سهو النبی ص در نماز را به لحاظ عقلی،
امری محال و غیر واقع می‌داند. (۳۴)
- باور است که:
اولاً این خبر از اخبار آحاد است و
مفید علم نیست؛
- افزون بر رساله مذکور، ایشان در دیگر
آثار خود نیز این نظریه را تثبیت نموده
است. (۳۵)
- بنابراین باید مرحوم مفید را از کسانی
دانست که عصمت پیامبر و امام از اشتباه
در تعداد رکعات نماز معصوم می‌داند.
- زیرا:
۱. خواب از جانب خداوند است و
در قدرت بندگان نیست و امکان اجتناب از
آن وجود ندارد به خلاف سهو که امکان
اجتناب از آن وجود دارد؛
- عصمت از قضا شدن نماز** (۳۶)
- شیخ صدوق در اثبات نظریه
سهو النبی ص مبنی بر قضا شدن نماز پیامبر
اکرم ص به روایت سعید الاعرج تمسک
می‌کند. (۳۷)
۲. حکما از این که اموال و اسرار
خود را نزد فرد فراموش کار بگذارند اجتناب
می‌کنند؛ ولی اسرار و اموال خود را نزد
فردی که گاهی خواب بر او غلبه می‌کند،
می‌گذارند. (۳۸)
- مرحوم شیخ مفید در این باره بر این

۳۴. براهین شیخ مفید بر این مسأله را در آینده بیان خواهیم نمود.

۳۵. همو، الفصول المختارة، ص ۱۰۴.

۳۶. همان طور که پیشتر اشاره شد، این عنوان حقیقتاً زیر مجموعه عنوان «اشتباه در انجام تکالیف شرعی» نیست؛ اما به دلیل ارتباط تنگاتنگ این موضوع با بحث عصمت از اشتباه در عمل به دین، در این عنوان از آن بحث می‌شود.

۳۷. شیخ صدوق، همان.

۳۸. «ولسنا نکر بأن یغلب النوم الأنبياء ص في أوقات الصلوات حتى تخرج، فيقضوها بعد ذلك، وليس عليهم في ذلك عيب ولا نقص، لأنه ليس ينفك بشر من غلبة النوم، ولأن النائم لا عيب عليه وليس كذلك السهو،

با توجه به این مطالب می‌توان این گونه به شیخ مفید نسبت داد که:

اولاً عقلاً عصمت پیامبر و امام از سهو و نسیان در عمل به محتوای دین لازم است؛

ثانیاً عقلاً عصمت پیامبر و امام از قضا شدن نماز به دلیل خواب ماندن، لازم نیست؛ ولی چنین امری درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع نشده است، چرا که روایت مورد استناد طرف مقابل، خبر واحد است.

البته توجه به این نکته لازم است که با توجه به عبارات مرحوم مفید باید گفت که اصطلاح سهو بر مواردی همچون خواب ماندن از نماز اطلاق نمی‌گردد، از این رو میان دو نظریه‌ای که از ایشان نقل کردیم تعارضی وجود ندارد.

اما نکته‌ای که بدون پاسخ باقی مانده

است، این است که آیا مرحوم شیخ، امام را قبل از تصدی منصب امامت نیز از اشتباه در عمل به دین معصوم می‌داند؟

ایشان نظریه خاصی در این باره مطرح نکرده است؛ ولی به نظر می‌رسد با توجه به دیگر نظریات ایشان که به طور مطلق امام را از هرگونه اشتباهی قبل از تصدی منصب امامت معصوم می‌دانست، می‌توان نتیجه گرفت که امام قبل از تصدی منصب امامت نیز از چنین اشتباهاتی معصوم است.

۷. عصمت از اشتباه در نظریات غیر دینی

شاید بتوان ادعا نمود که جنجالی‌ترین و پربحث‌ترین مسئله در میان مسائل عصمت، مسئله عصمت پیامبر و امام از



لأنه نقص عن الكمال في الإنسان، وهو عيب يختص به من اعتراه. وقد يكون من فعل الساهي تارة، كما يكون من فعل غيره، والنوم لا يكون إلا من فعل الله تعالى، وليس من مقدور العباد على حال، ولو كان من مقدورهم لم يتعلق به نقص وعيب لصاحبه لعمومه لجميع البشر، وليس كذلك السهو، لأنه يمكن التحرز منه. ولأننا وجدنا الحكماء يجتنبون أن يردعوا أموالهم وأسرارهم ذري السهو والنسيان، ولا يمتنعون من إيداع ذلك من يغلبه النوم أحياناً، كما لا يمتنعون من إيداعه من يعتره الأمراض والأسقام. ووجدنا الفقهاء يطرحون ما يرويه ذوالسهو من الحديث، إلا أن يشركهم فيه غيرهم من ذوي التيقظ، والفتنة، والذكاء، والحصافة. فعلم فرق ما بين السهو النوم بما ذكرناه» هم، رسالة في عدم سهو النبي صلی الله علیه و آله، ص ۲۸.

- اشتباه و نسیان در امور غیر مربوط به دین است. ۱. آنچه ضروری منصب امامت است، علم به احکام و معارف دین پس از تصدی منصب امامت است؛
- اگر درباره کشاورزی یا پزشکی نظریه‌ای از معصوم به ما رسید - که البته ارتباطی به دین نداشته باشد - می‌توان آن را الهی، مطابق با واقع و درست تلقی نمود؟
- اگر چه مرحوم شیخ به طور مستقیم به این مسئله رسیدگی ننموده است؛ ولی می‌توان با توجه به نظریات ایشان در بحث علم امام همان دیدگاه را در این جا به وی نسبت داد.
- نظریات مرحوم شیخ مفید در مسئله علم امام را می‌توان در چند گزاره این گونه بیان نمود:
۲. روایات مستفیضه‌ای بر ثبوت علم غیب ائمه اطهار علیهم‌السلام وجود دارد؛^(۳۹)
۳. این که بگوییم امام علیه‌السلام همه چیز را می‌داند، ادعایی بدون دلیل است؛^(۴۱)
۴. آگاهی امام علیه‌السلام از امور غیردینی، ضرورتی ندارد؛ ولی امری ممکن و واقع و به مصلحت و لطف خداوند بستگی دارد؛ و لزوم آن عقلی نیست، اما از طریق نقل ثابت شده است.^(۴۲)

۳۹. همو، المسائل الجارودية، ص ۴۵ و نیز به این عبارت توجه کنید: «واتفقت الإمامية على أن إمام الدين لا يكون إلا معصوماً من الخلاف لله تعالى عالماً بجميع علوم الدين» همو، اوائل المقالات، ص ۳۹.

۴۰. «فمن ذلك ما استفاض عنه عليه‌السلام من اخباره عن الغايبات والكائن قبل كونه فلا يخرم من ذلك شيئاً ويوافق المخبر منه خبره حتى يتحقق الصدق فيه» همو، الارشاد، ج ۱، ص ۳۱۳ و نیز ر.ك. همان، ج ۲، ص ۱۸۷ از همین جا می‌توان دریافت که مرحوم شیخ مفید مستفیض بودن روایت را نیز ملاکی برای اعتقاد به صدق آن می‌داند. البته راجع به این که مقصود شیخ از مستفیضه چیست باید در آثار او تتبع جامع صورت بگیرد.

۴۱. «... ولسنا نمنع أن يعلم الإمام أعيان الحوادث تكون باعلام أنه له ذلك فاما القول بأنه يعلم كل ما يكون فلسنا نطلقه ولا نصوب قائله لدعواه فيه من غير حجة ولا بيان» همو، المسائل العكبرية، ص ۶۹.

۴۲. «ان الأئمة من آل محمد عليهم‌السلام قد كانوا يعرفون ضمائر بعض العباد ويعرفون ما يكون قبل كونه وليس ذلك بواجب في صفاتهم ولا شرطاً في إمامتهم وإنما أكرمهم الله تعالى به واعلمهم إياه للطف في طاعتهم والتمسك بإمامتهم وليس ذلك بواجب عقلاً ولكنه من جهة السماع» همو، اوائل المقالات، ص ۶۷.

در همین راستا مرحوم مفید نسبت به آشنایی امام با تمام صنایع و نیز تمام لغات بر این باور است که به لحاظ عقلی چنین چیزی اگر چه ممتنع نیست؛ ولی عقلاً چنین امری برای امام واجب نبوده و ضرورتی ندارد و روایاتی نیز که در این باره رسیده است، مفید قطع نیستند. (۴۳)

مرحوم مفید در برخی دیگر از آثار خود، علم به تمام امور و نیز علم به باطن امور را شرط نبوت ندانسته و برای اثبات نظریه خود، عدم علم پیامبر اکرم ﷺ نسبت به ستارگان و نیز آمی بودن او را گواه می‌آورد و اضافه می‌کند که پیامبر، هنگام

هجرت به مدینه، راهنما اجیر کرد، و از طرق عادی کسب خبر می‌کرد و از حادثه‌ای، شخص راستگویی خبر نمی‌داد، از آن بی‌خبر می‌ماند. (۴۴)

افزون بر این موارد، مرحوم مفید در برخی از آثار خود، این امر را که امام بر اثر نداشتن علم غیب، در موارد قضاوت و داوری میان مردم، بر اساس ظاهر و بر خلاف حقیقت حکم کند این امر را که ممکن می‌داند، اگر چه این امر را نیز که خداوند در این امور بر اساس لطف خود، وی را از این اشتباه برهاند، ممکن - نه واجب - دانسته است. (۴۵)

۴۳. «القول في معرفة الأئمة بجميع الصنائع وسائر اللغات. أقول: أنه ليس يمتنع ذلك ولا واجب من جهة العقل والنقل والقياس وقد جاءت اخبار عمن يجب تصديقه بأن أئمة آل محمد ﷺ قد كانوا يعلمون ذلك، فإن ثبت وجب القطع به من جهةها على الثبات ولی في قطع به منها نظر» همان، ص ۶۶ و ۶۷.

۴۴. «ليس من شرط الأنبياء ﷺ أن يحيطوا بكل علم ولا أن يقفوا على باطن كل ظاهر وقد كان نبينا محمد ﷺ أفضل النبيين وأعلم المرسلين ولم يكن محيطاً بعلم النجوم و... كان آمياً بنص التنزيل ولم يتعاط معرفة الصنائع ولما أراد المدينة استأجر دليلاً على سنن الطريق وكان يسأل عن الاخبار ويخفي عليه منها ما لم يأت به إليه صادق من الناس» همو، المسائل العكبرية، ص ۳۴.

۴۵. «أقول: إن للإمام أن يحكم بعلمه كما يحكم بظاهر الشهادات ومن عرف من المشهود عليه ضد ما تضمنته الشهادة أبطل ذلك شهادة من شهد عليه وحكم فيه بما أعلمه الله تعالى وقد يجوز عندي أن تغيب عنه بواطن الأمور فيحكم فيها بالظواهر وإن كانت على خلاف الحقيقة عند الله تعالى ويجوز أن يدلله الله تعالى على الفرق بين الصادقين من الشهود وبين الكاذبين فلا يغيب عنه حقيقة الحال والأمر في هذا الباب متعلقة بالأطراف والمصالح التي لا يعلمها على كل حال إلا الله عز وجل» همو، اوائل المقالات، ص ۶۶.

آثار خود، عملی را که موجب استخفاف امام شود، از وی نفی نموده است، باید مرحوم شیخ را بر این باور دانست که امکان اشتباه در نظریات غیر دینی امام اگر موجب استخفاف نشود، وجود دارد.

با نتیجه‌ای که در این قسمت گرفته شد می‌توان گفت که امام پیش از تصدی منصب امامت نیز از اشتباه در امور غیر دینی معصوم نیست و بدین وسیله ادعای مرحوم مفید راجع به عدم وجود اشتباه قبل از تصدی منصب امامت - که پیشتر مطرح گردیده بود - را باید بر امور دینی حمل نمود.

ناگفته پیداست که پذیرش یا عدم پذیرش چنین نظریه‌ای تأثیر بسزایی در رویکرد ما به کلمات غیر دینی ائمه اطهار علیهم‌السلام از جهت حجیت و عدم حجیت آنها خواهد داشت.

۸. عصمت از اشتباه در امور عادی

آیا می‌توان گفت امام در امور مربوط به زندگی شخصی و اجتماعی خود - که هیچ ارتباطی به تبلیغ دین و یا عمل به دین ندارد - نیز از اشتباه و نسیان معصوم است؟

البته ممکن است کسی مدعی شود که کلام مرحوم شیخ در نظریه اخیر، مربوط به امور عادی است، ولی باید با توجه به دیگر نظریات او، مناط آن - یعنی عدم لزوم علم امام به غیر دین - را در نظریات علمی نیز سرایت داد.

با توجه به این گزاره‌ها می‌توان ادعا نمود که مرحوم شیخ مفید امام را لزوماً عالم به همه امور نمی‌داند و علم معصوم به امور غیر دینی را تابع مصلحت و لطف خداوند می‌داند.

به نظر می‌رسد که اگر چه لازمه عقلی چنین نظریه‌ای امکان اشتباه در نظریات غیر دینی معصوم است - همان گونه که می‌توان احتمال مطابقت با واقع را نیز داد - اما چون خود مرحوم شیخ مفید نظریه‌ای را مطرح نکرده است، نمی‌توان دیدگاهی را به وی نسبت داد و تنها در همان موردی که وی تصریح به امکان اشتباه نموده است - یعنی در هنگام قضاوت - می‌توان به شیخ نسبت داد که امکان اشتباه از سوی امام در هنگام قضاوت بر اساس ضوابط قضایی وجود دارد.

البته با توجه به این که وی در دیگر

این باور است که امام علیه السلام از گناه، سهو و نسیان معصوم است:

«ان الإمام معصوم من العصيان مأمون عليه السهو والنسيان». (۴۸)

آیا می‌توان از این عبارات کلی و مبهم نتیجه گرفت که مرحوم شیخ مفید بر این باور است که امام علیه السلام در امور عادی زندگی خود نیز از اشتباه و نسیان معصوم است؟

به نظر می‌رسد که نتوان چنین نظری را به ایشان نسبت داد زیرا که:

اولاً در مباحث پیشین روشن شد که وی به صراحت امکان اشتباه از سوی امام به دلیل نداشتن علم غیب را امری ممکن می‌دانست؛

ثانیاً برخی از این عبارات در مقامات خاصی از ایشان صادر شده است که همین امر می‌تواند مراد ایشان را از این عبارات مقید نماید.

دو مورد نخست که از ایشان نقل شد

مرحوم شیخ مفید در هیچ يك از آثار خود نه به طور مستقل و نه حتی به طور استطراد، به این بحث رسیدگی نکرده است، با این وجود در آثار به جای مانده از مرحوم مفید، عباراتی وجود دارد که ممکن است کسی در صدد اثبات نظریه‌ای و انتساب آن به ایشان باشد از این رو بحث از آنها ضروری می‌نماید.

۱. مرحوم مفید در يك مورد می‌گوید:

«وقتی که عصمت امام علی علیه السلام از خطا ثابت گردید، ثابت می‌شود که او در هر آنچه انجام می‌دهد و می‌گوید، معصوم است». (۴۶)

۲. ایشان در جای دیگری می‌گوید: «عصمت اقتضا می‌کند که تمام گفته‌ها و افعال شخصی که عصمت برای او ضروری است، صحیح باشد». (۴۷)

۳. مرحوم شیخ در مورد دیگری بر

۴۶. «وإذا ثبت عصمة علي عليه السلام من الخطأ... ثبت أنه عليه السلام كان مصيياً في كل ما فعل وقال» همو، الجمل، ص ۷۵.

۴۷. «... والعصمة تقتضي فيمن وجبت له بالصواب بالأقوال والأفعال» همان، ص ۷۷ و ۸۵.

۴۸. همو، المسائل الجارودية، ص ۴۵ و نیز همو، رسائل في الغيبة، ج ۲، ص ۱۶.

در مقام عصمت امام علی (ع) در نبردهای خود و اشتباه محاربین ایشان است که می‌تواند ما را به این عقیده نزدیک کند که مقصود مرحوم شیخ از این عبارات اثبات عصمت مطلق امام (ع) نیست.

ذیل عبارت سوم نقل شده از ایشان - که در واقع تعلیل وی به شمار می‌رود - نیز بیان‌گر این است که مرحوم مفید، در مقام بیان عصمت امام (ع) از گناهان و احکام دین است. وی در این تعلیل می‌گوید:

«لفساد الخلق سياسة من يقارف الآثارم ويسهو عن الحق في الأحكام ويضل عن الصواب وحاجة من هذه صفته إلى رئيس يكون من ورائه لينبهه عند الغفلة ويقومه عند الاعوجاج». (۴۹)

با توجه به این مطالب می‌توان گفت از آنجا که لازمه نظریات مرحوم مفید امکان صدور اشتباه از امام در امور غیر دینی بود، از این رو از این عبارات مطلق نمی‌توان نظریه‌ای را به مرحوم شیخ مفید نسبت داد، بلکه با توجه به تصریح مرحوم شیخ مفید بر

این که امام (ع) ضرورتاً به تمام امور علم ندارد و حتی بر اساس عدم علم، ممکن است در قضاوت مرتکب اشتباه شود، می‌توان لازمه این نظریات - که البته وی خود به آن اذعان نکرده است و از این رو نباید نظریه‌ای را به وی نسبت داد - همان عدم ضرورت عصمت امام از اشتباه در امور عادی است.

جمع‌بندی نظریات شیخ مفید در

بحث قلمرو عصمت

به طور خلاصه می‌توان نظریات شیخ مفید را در چند جمله بیان کرد:

۱. امام از اشتباه و فراموشی قبل از تصدی منصب امامت معصوم است که با توجه به نظریات دیگر ایشان باید گفت که مراد، اشتباه و فراموشی در امور مربوط به دین است؛

۲. امام به لحاظ حکم عقل لازم است قبل از تصدّد منصب امامت از ارتکاب گناه کبیره و ارتکاب عمدی گناه

- صغیره‌ای که فاعل آن مورد استخفاف قرار می‌گیرد معصوم باشد؛
۳. امامان دوازده‌گانه مذهب امامیه از گناهان کبیره و صغیره قبل از تصدی منصب امامت معصوم هستند؛
۴. پیامبر و امام از گناهان کبیره و صغیره پس از تصدی منصب نبوت و امامت معصوم است؛
۵. انبیاء از ترك عمدی مستحبات معصوم هستند؛ ولی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ از ترك سهوی مستحبات نیز معصوم هستند؛
۶. امام ضرورتاً از اشتباه و فراموشی در تبیین دین قبل و بعد از تصدی منصب امامت معصوم است؛
۷. امام ضرورتاً از اشتباه و فراموشی در عمل به دین قبل و بعد از تصدی منصب امامت معصوم است؛
۸. امام از خواب ماندن و فوت شدن نماز، معصوم نیست؛
۹. امام ضرورتاً از اشتباه در احکام قضایی در دادگاه معصوم نیست.
- همچنین لازمه نظریات مرحوم شیخ مفید در بحث علم امام این است که امکان اشتباه در نظریات غیر دینی و نیز امور عادی وجود دارد؛ ولی از آنجا که وی خود به این نظریه اذعان نکرده است، از این رو نمی‌توان نظریه‌ای را در این قسمت به وی نسبت داد.